

## متن زیر ترجمه فارسی سخنرانی اسماعیل مولودی بزبان سوئدی در کنفرانس اول کودکان ۷ - ۸ سپتامبر ۲۰۰۲ میباشد .

با تشکر از اینکه این وقت را بمن دادید که در حضورتان باشم و در مورد مسأله مهمی صحبت کنم که به همه ما مربوط است بخصوص به بچه های ما که سرمایه جامعه بشری هستند.

من اسماعیل مولودی ، دبیر فدراسیون واحد سوئد، فعال سازمان نجات کودک در سوئد و عضو و کادر حزب کمونیست کارگری ایران .

میخواهم در مورد مذهب و رابطه اش با حقوق کودکان صحبت کنم. مذهب چه مناسباتی در خانواده بوجود میآورد که بر دنیای کودکان تاثیر میگذارد؟ ابتدا باید بدانیم کودک کیست و در ادبیات رسمی به چه کسی بچه میگویند، پدری مسن فرزند ۴۰ ساله اش را بچه اش میداند و میگوید بچه ام. مادری جوان به بچه شیر خوارش میگوید بچه ام. اما آنچه که مرسوم است بچه به پسر یا دختری میگویند که از پدر و مادری بدنیا آمده است. ولی بطور معمول و رسمی به بچه هایی که عمرشان کمتر از ۱۸ سال است بچه میگویند. کنوانسیون حقوق کودکان کسانی که زیر ۱۸ سال هستند را بچه به حساب میآورد. یعنی بزرگ کسی است که از مرز ۱۸ سال گذشته و جامعه او را بعنوان بزرگ برسمیت میشناسد.

سعی میکنم که از زاویه منافع کودکان به مسائلی که در دور و بر زندگی کودکان میگذرد به مذهب، آداب و رسوم ، فرهنگ و مسائل اجتماعی نگاه کنم. در همین رابطه است که مذهب به عنوان فاکتوری جدی در زندگی بچه ها و در مناسبات خانوادگی نقش پیدا میکند. این را بگویم حقوق کودکان و برخورد به زندگی روزانه کودکان معیار پیشرفت و ترقی هر جامعه ای است که منصور حکمت بدرستی این را در بیانیه تاسیس تشکل اول کودکان بیان داشته.

فرهنگ و آداب و رسوم گروه های قومی مختلف همگی جالب نیستند. مثلا در فرهنگی که کتک زدن به کودکان بعنوان تربیت کودک قلمداد میشود و یا تبعیضات جنسی تقدیس میشود. اینک بزرگسالان حق بخود میدهند که به کودکان امر نهی کنند. گذشته از اینکه جالب نیست بلکه باید علیه اش مبارزه کرد. مذهب بعنوان جریانی ارتجاعی که حافظ منافع کهن است کودکان را ملک تلق والدین میداند. کودکان سهل است بلکه هر انسانی طبق نظر مذهب حق ندارد در سرنوشت خود دخالت داشته باشد. آدمها حق ندارند به سرنوشت خود فکر کنند زیر کسی در ماوراء آنها سرنوشت انسانها را رقم میزند و این ازلی و ابدی است. در این سیستم فکری انسانها فقط فرمان بردارند ، حال وضعیت کودکان و حقوق آنها دیگر قابل بحث نیست. بچه ملک تلق والدین است و در بین والدین هم مردخانه ولی نعمت و همه کاره نه تنها بچه ها بلکه زن هم ملک اوست. به یک معنا خدا هم مرد است. این خصوصیت همه مذاهب است. کسانی که به جنگهای صلیبی میرفتند شورت آهنی به پای زنانشان میکردند. طرفداران مذهب یهوا ویتنه که مسیح را فرزند خدا میدانند اجازه نمیدهند بچه هایشان در جشن تولد همکلاسی هایشان شرکت کنند. زیرا طبق نظر آنها فقط عیسی تولدش را باید جشن گرفت. در سوئد تا قبل از سال ۱۹۸۲ این فرقه مذهبی اجازه نمیدادند که خون بچه هارا که بعلت مریضی باید عوض میکردند عوض کنند. زیرا از نظر آنها وجود شخص کثیف میشود و پاکی مسیح را از دست میدهند. در ۱۹۸۲ قانون وضع شد و دست مذهب را از زندگی کودکان در این مورد کوتاه کرد.

بنابراین مذاهب در جوامع مختلف جایگاه های مختلفی دارند. در اروپا به یمن مبارزات آزادیخواهانه کارگران و مردم آزاده حداقل معیار های انسانی برای کودکان برسمیت شناخته شده است. مذهب و دم و دستگاه مذهبی تا اندازه ای به حاشیه جامعه رانده شده. اما در جا های دیگر وضع فرق میکند. مثلا در خاور میانه و کشور های اسلام زده که مذهب

حکومت میکند حقوق کودکان سهل است بلکه اصلا انسانیت معنی ندارد. کشور اسلامی مثل ایران اعلام میکند که قوانین بین المللی را برسمیت نمیشناسد زیرا اسلام ارزیابی و ارزش گذاری خود را از همه چیز دارد که مغایر با قوانین رسمی دنیای متمدن میباشد.

بزندگی کودکان در کشور های اسلامی نگاه کنید، دختر بچه ۹ ساله شوهر داده میشود، تن فروشی و پدوفیلی رسمی و آشکار است. ختنه کردن دختران و پسران، کتک زدن بعنوان تربیت کودکان امری رایج و روزمره است. در کشور های اسلامی فرهنگ ارتجاعی و مذهب دست در دست هم حاکمیت میکنند. بعضی از آکادمیسن های ابله غربی میگویند مردم خود میخواهند اینجوری زندگی کنند. میگویند مردم خود میخواهند حجاب سر کنند، آزادی مذهب را باید برسمیت شناخت ، پدر و مادر حق دارند بچه شان را با فرهنگ خود تربیت کنند.

من میگویم نه، بلکه دم و دستگاه قرون وسطی و فرهنگ ارتجاعی با زور سرنیز اینها را به مردم تحمیل کرده اند. به این عکس نگاه کنید این نشان میدهد که دختر بچه پروتستان از جلو صف کاتولیک ها دارد به مدرسه میرود و کاتولیکها به او تف میاندازند. وحشت و ترس کودک ۷ ساله که بزور والدینش به مدرسه مذهبی هدایت میشود را خوب ببینید تا به عمق غیر انسانی بودن مذاهب آگاه شوید.

به مدارس مذهبی در سوئد نگاه کنید. مدرسه باید جای آموختن علم و دستاوردهای بشر مدرن باشد. باید دنیای زنده و پویای کودک را پرورش دهد. مدرسه باید در دنیای تازه را بروی کودکان باز کند، ولی در مدرسه لیوت آورد اپسالا دختران حق ندارند دامن کوتاه بپوشند. در مدرسه اسلامی وستروس دختران و پسران حق ندارند با هم بازی کنند و در کلاس کنار هم بشینند. در مدرسه سوئیا در اوره برو تمام تحقیقات و دستاورد های علمی بشر را رنگ مذهبی و الهی میگیرد.

آری در اروپای متمدن تحت نام نسبیت فرهنگی اجازه میدهند که مذهب و قوانین مذهبی بر زندگی کودکان در بعضی از خانواده های مهاجر حاکم شود.

ختنه کردن کودکان یکی دیگر از جنایات مذهب علیه ارزشهای انسانی و حقوق کودکان است. به این تصاویر نگاه کنید. نشان میدهند چطور کودک پسر بچه سال ۸ ماهه از ختنه کردن زجر میبرد.

من در دناظره تلویزیونی ۲۰ نوامبر ۲۰۰۰ در مقابل مذهبیون اعلام کردم مذهب مانع آسایش انسانها از بزرگ و کوچک است. مذهب شادی و دنیای بچه ها را برسمیت نمیشناسد چطور حقوق انها را قبول میکند. تحت نام آزادی مذهب و فرهنگ، ابتدایی ترین حقوق انسانها پایمال میشود. تعجب نکنید که در چند سال پیش امام های مسلمان تلاش میکردند که قوانین اسلامی را به قانون سوئد اضافه کنند.

بنا براین و طبق فاکتهای مشخص که هر کدام از ما در زندگی روزانه خود نمونه اش را کم نداریم نشان میدهد که آسایش و آزادی کودکان مغایر با مذهب و دیدگاههای مذهبیون است.

در تفکری که انسانها نمیتوانند بر سرنوشت خود حاکم شوند، در تفکری که همه چیز انسان از طرف یک نیروی ماورا طبیعه کنترل و هدایت میشود و دخالت انسان در سرنوشت خود را برسمیت نمیشناسد باید از زندگی کودکان بدور باشد. کنوانسیون حقوق کودکان بدرستی اشاره میکنند، هر فرهنگ و مذهبی که سلامتی جسمی و روحی کودکان را آزار میدهد باید با هاش مبارزه شود و این امر دولتهای عضو کنوانسیون حقوق کودکان است. بند ۱۹ و ۲۴ کنوانسیون حقوق کودکان.

وظیفه ماست که علیه قوانین مذهبی و علیه مذهب در کل مبارزه کنیم. جامعه باید آسایش و رفاه کودکان را تامین کند. کودکان خود قدرت مبارزه را ندارند و بدلیل عشق و علاقه کودکی، ناتوانی در تشخیص راست و غلط بخصوص در

سنین کودکی. کودک را دجبور میکند مطیع والدینش باشد. کودک نمیتواند در مقابل خواستههای ارتجاعی والدین و اطرافیان خود قرار گیرد. وظیفه جامعه و حکومت مداران است که دفاع از حقوق کودکان را بر عهده بگیرند. قوانین کنوانسیون حقوق کودکان بدون در نظر گرفتن هر ملاحظه فرهنگی و مذهبی باید، بی چون و چرا اجرا شوند. دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه . مدارس مذهبی باید تعطیل شوند. حجاب برای کودکان باید ممنوع شود. ختنه کردن کودکان پسر کمتر از ۱۶ سال باید ممنوع شود.

متشکر از وقتی که بمن دادید.

۷ سپتامبر ۲۰۰۲

